



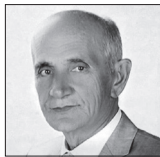
مزون نور

در خدمت همشهریان عزیز

دوخت فرم مدارس متوسطه اول و دوم
شامل مانتو، شلوار، مقنعه و انواع شومیز
سفارش همه روزه از ساعت ۹ الی ۱۴-میر مجیدی

۰۹۳۹۳۰۱۶۱۷۲ - ۰۱۷۳۲۲۲۴۸۰۲
nozhaa_collection

بمناسبت بزرگداشت روز
فردوسی بزرگ



۲

موزه‌ها

گنجینه‌های فراموش شده



۳

سینما



۵۰۴

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

سه شنبه ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۴ / سال بیست و ششم / شماره ۲۹۷۷ / صفحه ۸ / ۲۵۰۰ تومان

یادداشت اول

پاسخگویی هست؟

■ با مسوولیت سردبیر

همه راهها به اقتصاد ختم می شود، تا معیشت به راه نباشد و زندگی شهروندان به سامان نچرخد، برای فکر و اندیشه آنها نمی شود برنامه ریزی کرد، زندگی هزینه دارد و هزینه های آن بر دوش خانوارها سنگینی می کند، تصور اینکه مرد خانواده از پس هزینه ها بر نمی آید، تنها برای کسانی قابل درک است که این سختی ها را کشیده باشند، اینکه با درآمدی ثابت هر روز هزینه های زندگی اضافه شود و یا تلختر آنکه صاحب شغلی باشید که هر روز باید در پی درآمدی باشید که برای زندگی روزانه لقمه ای نان به دست آورید برای بخشی از مدیران که از قضا سالها بر مسند مسوولیت نشسته اند و با تغییر هر دولتی بازهم در گوشه ای به عمارت و امارت خود مشغولند تفاوتی ندارد. آنها هم می توانند در دولتی تصمیم ساز باشند و هم با آشکار شدن نتایج سیاستهایشان در دولت بعدی منتقد همان تصمیمات بمانند و با جسارت هم نقطه ضعف های سیاستها را به مردم بگویند . راستی کسی نیست، بپرسد بانی سیاستهای حجاب و عفاف در کشور در دو دهه گذشته چه کسانی بوده اند ؟ که نتیجه آن را امروز در کف خیابان می بینیم یا چه کسی می تواند بگوید سیاستهای اقتصادی کشور را چه کسانی پایه گذاری کرده اند که هر روز منجر به فقر و تورم بیشتری می شود؟ یا پایه گذار شعارهایی که تحریم ها را به هیچ می انگاشت چه کسی بود؟ راستی کدام جریان سیاسی برجام را نسخه دست نویس خارجی می دانست؟ یا کدام جریان فکری و سیاسی مدام تلاش می کرد با انواع نظارت ها و دخالتها شهروندان از چرخه قدرت حذف کند، تا کار به جایی رسید که مجلس اقتدار خود را از دست داد و با مشارکت پایین شهروندان آنقدر بی اعتبار شد تا قوانین مصوبش هم بی اثر تلقی شود؟ آری همه می دانند که کدام گروهها و جریانها باعث دلسردی ها و کاهش مشارکت شهروندان در انتخابات و دوری آنها از حاکمیت شده اند...

ادامه در صفحه ۲

اینچه برون طلوع تجارت ایران
در راه ابریشم

» ۸ «

جای خالی مهندسان شهرساز
در مدیریت شهری

» ۷ «

پوست میوه‌ها برای سلامتی
ضرر دارند یا فایده؟

» ۶ «

خشکسالی

یا بحران مدیریت



مردم به اهمیت این موضوع توجه کافی نداشته باشند. نکته بسیار مهم که ذکر آن لازم است این است که عدم مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها و اجرای طرح‌های مربوط به مدیریت منابع آب، باعث شده که این طرح‌ها با موفقیت اجرا نشوند. بدون تردید بحران آب در استان گلستان ناشی از تعامل پیچیده عوامل طبیعی و انسانی است. در حالی که خشکسالی‌های پی در پی در سالهای اخیر، کاهش بارندگی و تبخیر بالا از جمله چالش‌های طبیعی هستند، مدیریت نادرست منابع آب، کشاورزی غیراصولی، توسعه نامتوازن، عدم سرمایه‌گذاری کافی در زیرساخت‌های آبی و عدم آگاهی‌رسانی و فرهنگ‌سازی، از جمله عوامل انسانی هستند که به تشدید این بحران دامن زده‌اند. بنابراین، برای حل بحران آب در استان گلستان، لازم است که به طور همزمان به هر دو جنبه طبیعی و انسانی توجه شود. به عبارت دیگر، علاوه بر تلاش برای سازگاری با تغییرات اقلیمی و کاهش اثرات خشکسالی، باید مدیریت منابع آب را نیز بهبود بخشید و با اتخاذ سیاست‌های صحیح و برنامه‌ریزی دقیق، از هدررفت آب جلوگیری کرد.

ایفا می‌کند، نشانه بی‌تدبیری است. عدم سرمایه‌گذاری کافی در زیرساخت‌های آبی و فرسودگی شبکه‌های آبرسانی شهری و روستایی نیز باعث هدررفت آب شده است. گلشسته از اینها کمبود سدها و شبکه‌های آبیاری مدرن، امکان ذخیره‌سازی و مدیریت بهینه آب را محدود کرده است شما عدم آگاهی‌رسانی و فرهنگ‌سازی و عدم آموزش و ترویج روش‌های صرفه‌جویی در مصرف آب و کمبود برنامه‌های آموزشی و ترویجی برای افزایش آگاهی عمومی در زمینه صرفه‌جویی در مصرف آب را به این بی‌برنامگی‌ها اضافه کنید که باعث شده

خشک شدن کامل قرار داده است. کشاورزی غیراصولی و کشت محصولات آب‌بر نیز بر این آتش دمیده است، کشت محصولاتی مانند برنج در مقیاس وسیع، نیاز آبی بالایی دارد و فشار زیادی بر منابع آبی استان وارد می‌کند. و البته استفاده از روش‌های آبیاری سنتی و غیراصولی، باعث هدررفت آب در بخش کشاورزی شده است. عجیب اینکه با وجود کمبود آب شدید در استان، اصرار برای استقرار پتروشیمی در گلستان که می‌دانیم به طور کلی به عنوان یک صنعت آب‌بر شناخته می‌شود و آب در فرآیندهای مختلف این صنعت نقش‌های حیاتی

فاطمه سراوانی- امروز تامین آب در استان دیگر یک مساله یا مشکل نیست، آب امروز در گلستان بحران است، و البته بحران آب در استان گلستان، معلول ترکیبی از عوامل طبیعی و انسانی است. کاهش بارندگی را می‌توان به عنوان یکی از عوامل طبیعی برشمرد عاملی که باعث تغییرات اقلیمی است که منجر به کاهش میزان بارندگی در سال‌های اخیر شده است. استان گلستان به طور دوره‌ای و متوالی با خشکسالی مواجه بوده که این موضوع باعث کاهش سطح آب‌های زیرزمینی و خشک شدن منابع سطحی آب شده است. اما آنچه بیش از عوامل طبیعی تأثیرگذار بوده و آنچه قابل نقله بررسی، پیگیری و پیگرد قانونی است، مدیریت نادرست منابع آب در استان است. تخصیص آب به بخش‌های مختلف (کشاورزی، صنعت، شرب) به صورت غیربهینه و بدون در نظر گرفتن نیازهای واقعی، منجر به هدررفت منابع آبی در استان شده است. همچنین رعایت نکردن حقابه‌های زیست‌محیطی و پایین‌دستی، اکوسیستم‌های آبی را به ورطه نابودی کشانده و تالابهای استان را در خطر

ادامه یادداشت اول

پاسخگویی هست؟

و البته باز هم همه می دانند که چه کسانی مدام انگشت در چشم مردم کردند و خواستند با خشونت فرهنگ عمومی شهروندان را تغییر دهند. اما امروز مردم بزرگوار کشورمان خسته اند و درگیر و دار اجاره خانه، معیشت روزانه و لقمه ای نان روزگار می گذرانند، آنها تاوان سیاستهای غلط کسانی را می دهند که روزگاری تحریم ها را ورق پاره می دانستند و حالا می گویند با این بودجه ها هیچ غلطی نمی توانیم بکنیم، عجیب است سالها وقت مملکت را تلف کرده اند تا خود زمامدار باشند و باز حواله به فردا می دهند. ترسم نرسی به کعبه ای اعرابی کاین ره که تو می روی به ترکستان است (شیخ اجل) راه برون شد از این بن بست، تن دادن به مشارکت آزاد شهروندان در قدرت، گردش واقعی نخبگان، گردش آزاد اطلاعات و میدان داری احزاب شناسنامه دار است، تا با برنامه ریزی نخبگان چالش ها کمتر شود و پاسخگویی به ساختار برگردد و هم مردم به آینده امیدوار باشند. و الا با شعار و حرفهای تکراری این زخم ناسور را درمانی نیست.



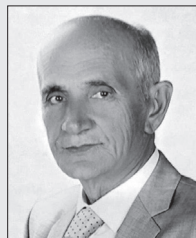
خبر

بزرگترین بازار هفتگی گلستان در آستانه انتقال به مکان جدید

جمعه بازار گنبدکاووس که با بیش از سه دهه قدمت، عنوان بزرگترین بازار هفتگی استان گلستان را یدک می کشد در آستانه خانه تکانی و انتقال به مکان جدید قرار دارد و به گفته معاون خدمات شهری شهرداری، این جابجایی به زودی انجام خواهد شد. به گزارش ایرنا، ایرج شفیع پور بیان کرد: جمعه بازار گنبدکاووس یکی از پُرموقع ترین بازارهای هفتگی استان گلستان محسوب می شود که سال هاست در مکان فعلی واقع در خیابان فجر این شهر و معابر همجوار آن به فعالیت مشغول است. وی افزود: مکان فعلی جمعه بازار گنبدکاووس به سبب افزایش ساخت و سازها در زمین های خالی از جمعیت و مشکلاتی که برای اهالی ایجاد کرده بود با تصمیم شورای اسلامی شهر و شهرداری به مکان جدید منتقل می شود. شفیع پور ادامه داد: مکان جدید در زمینی به مساحت ۶ هکتار، توسط بخش خصوصی درحال آماده سازی است. معاون خدمات شهری شهرداری گنبدکاووس گفت: فعلا ۲۵۰ هکتار از فضای جدید جمعه بازار گنبدکاووس زیرسازی و ۲۲ هزار مترمربع آن آسفالت شده است. وی ظرفیت جمعه بازار جدید گنبدکاووس را هزار و ۱۰۰ غرفه اعلام کرد و افزود: در صورت نیاز، غرفه ها قابل افزایش خواهد بود ضمن اینکه عملیات زیرسازی فضای پارک خودروها، احداث سرویس بهداشتی، حصارکشی دور تا دور زمین، نصب سایبان و ایجاد ۲ مسیر جداگانه برای ورود و خروج خودروها توسط بخش خصوصی درحال انجام است. شفیع پور اضافه کرد: زمین جمعه بازار جدید واقع در ورودی شهر گنبدکاووس از سمت آزادشهر (پشت بازار روس ها) متعلق به بخش خصوصی است و با شهرداری قرارداد ۱۵ ساله دارد.



بمناسبت بزرگداشت روز فردوسی بزرگ



امیر سعادت

ایران سرزمین شعر وشاعران است. شاید بیشتر از تمام شاعران جهان، ملت ایران به شعر پرداخته است و تولید فرهنگ، تولید اندیشه تولید تملدن، تولید مبارزه با جور و ستم، تولید زیباییها، وتولید دشمن ستیزی و...پرداخته است. آنهم در زیباترین نوع قالب بیان که شعر است. کم نداریم شاعرانی که ستایشگر ستمگران بوده اند و سر در آخور حاکمان داشته اند. ونیز شاعرانی که فقط به زیبایی طبیعت پرداخته وخلق هنر خاص خودشان را ارائه نموده اند. شاعرانی که به انواع خفایات و رفتارهای اجتماعی پرداخته اند ونقد رفتار و اخلاق کرده اند. و شاعران که به عرفان هنرشان را اختصاص داده اند. ونیز شاعران که جان رافدلی شعر و هنر خود کرده اند...و فردوسی همه اینها را در زیباترین تصویرگری وخلق خلافتانه خاص خود، جمع کرده است. سیاوش و ایرج و کیخسرو را خلق می کند که نماد

شرافت و انسانیت هستند. و تا آخرین روز حیات خود، تزلزلی در منش شرافت و انسانیت خود، بروز نمی دهند. و جان را فدای مرام انسانی خود می کنند. منیژه و تهمین و رودابه را خلق می کند که نماد عشق زلال و پاک و پایداری از عاشقانه های خود هستند. و در مرتبه عشق، خود انتخاب می کنند و خود از شوهر آینده شان خواستگاری می کنند و تمام مرزها و سد راه های قومی و نژادی و دشمنی های کهن و دیرینه دملهای چرکین را در می نوردند و در راه عشق خود پایداری می کنند و بهای انتخاب سخت و ناممکنها را هم، می پردازند... در میدان های نبرد و پایداری و استقامت از مرز و بوم ومیهن، ایستادگی در برابر دشمن متجاوز که بسیار داریم، بقدر در میدان های جنگ، حتی با شکم گرسنه می جنگند، که اسبها از پای در می آیند ولی قهرمانان از پای در نمی آیند و بدون اسب، امر دفاع از آب و خاک را و مرزهای میهن، تمام وجودشان پوشیده از خاک و گل و خون میشود و هیچیک، دیگری را نمی شناسد. و پس از شستشوی، خود می توانند تشخیص دهند کی مرده و کی زنده مانده وهم را بشناسند. پادشاهان خودکامه را، ضحاک را، کی کاووس را، گشتاسب را، ریز ترین موارد روانشناسی و خوی و اخلاق و رفتارشناسی آنان را تجزیه وتحلیل می کند. و بر روح و روان خواننده، بالاترین تاثیر و شناخت را، عمق می بخشد. در توصیف زیبایی های طبیعت بسیار تواناست، طبیعت را داری فهم وشعور می بیند. در شرایطی که مبارزان خسته از لشکرکشی ها و تلاموم جنگ ها و هیاهوی نبردها هستند، طبیعت و زیبایی هایش، به آنان روحیه نشاط می دهد وخستگی میدانهای جنگ را، می کاهد. و در فرازی دیگر، مرگ دردمندانه سیاوش، تمام مظاهر طبیعت، از ابرها گرفته تا برگ درختان و طبیعی و تا خوانش پرنندگان به سوگ می روند. در بیان مرائی ها، شاید طولانی ترین و دردمندانه ترین مرثیه را از داغ کشته شدن سیاوش، و تاثیرش بر رستم سروده است. حتی دردمندانه تر از سوگ فرزندش سهراب، شاهد هستیم. آنچنانکه هر بار، داستان سیاوش را خوانده ام، همراه با رستم در سوگ سیاوش، اشکهایم سرازیر شده است. از شاخصه های بارز دیگر فردوسی بزرگوار، بهره وری از واژه های: ایران، خرد، داد، شاخصه های فره ایزدی و روح و روان اهورائی، در پادشاهان، سرلشکران، فرماندهان نظامی، پهلوانان وحتی مردمان معمولی لشکری وکشوری، ستم ستیزی، در شاهنامه، بسامدش بسیار است. که ما کمتر می توانیم، پرداخت تحلیلی به این

موارد را در آثار شاعران دیگر بباییم. یکی از رسالت های هنر وخصوصا ادبیات و شعر، پرداختن به انسان آرمانی است. که جناب فردوسی در تمام لایه لایه های اجتماعی، چنین اشخاصی را تربیت وخلق کرده است. تهمین در عشق به فرزند(سهراب)،رودابه درانتخاب وگزینش عشق ناممکن ها، رودابه از تبار ضحاک است وزال از تبار سام و نریمان که کینه ای و دشمنیهای دیرینه وچرکینی که بین آنان است. از زنان توانمند وکمال جوی دیگر شاهنامه سیندخت است.که هم شوهرش را که تصمیم جلی دارد دخترش را به خاطر انتخابش بکشد و از طرفی بین سران و بزرگان ایران وضحاک کینه هاست. وسیندخت تمام این مشکلات را با رواداری وخرد اندیشی، هموار می کند، شرایط ازدواج آندو را فراهم می کند. منیژه از قهرمان عرصه عشق پاک وکمال جواست، که از تمام مواهب فرزند شاهی و آسایشهای حلاکتی دل میبرد و به عشق بیژن دل می بندد، و حتی از دربار پدر رانده می شود و برای تهیه لقمه نانی برای زنده ماندن خودش و بیژن که در عمق چاه به مسمار کشیده شده گدایی می کند. و سر انجام در آغوش بیژن به آرامش میرسد. شاید. از میان انسانهای کمالجوی وخالق شاهنامه، دردمندترین و باشرافت ترینشان رستم است، که در پاسداشت مرز و بوم ایران که بارها و بارها مورد تاخت تاز بیگانگان بوده است، کرارا وکرارا، به کام مرگ رفته است. وپروایی نداشته است. در یک رویارویی، رستم توی تخم چشم کیکاووس خودکامه می نگرد وفریاد میزند: از وقتی که شاه شدی، همیشه به فکر جنگ بوده ای، ملت و لشکر یک روز خوش نداشتند و ما نمی توانیم یک روز را در دلخوشی و آرامش باشیم و تو لیاقت شاه بودن را ندارید. (در حال تصمیم برای تدارک جنگ) کیکاووس بر می آشوبد و دستور اعدام رستم را می دهد و.. مظلوم ترین انسانهای کمالجوی شاهنامه، سیاوش است. که به خاطر پاسداشت شرافت های اخلاقی و انسانیش، از پادشاهی بعد از پدر، چشم می بندد، و بناچار به سرزمین دشمن (توران وافراسیاب) پناه میبرد وسرنجام، با دسیسه بردارش گرسیوز، و دستور افراسیاب سرش بریده میشود.. ما در شاهنامه انسانهای کمال جو آرمانی دیگری هم داریم: کیخسرو، ایرج، اغریس، گودرز پهلوان نامدار که هفتاد نفر پسران ونوه ها ونتیجه هایش در میدان های جنگ، جلو چشمانش تکه پاره می شوند و باز در میدان جنگ با قامت خمیده از تجاوز به ایران، پاسداری می کند و می جنگد...و.

هزار گنبدی در بافت فرسوده زندگی می کند

یک طبقه آن برای واحد مددکاری اجتماعی و یک طبقه دیگر هم برای آموزش فنی و حرفه ای در چهار محله کم برخوردار (سیدآباد، بدلجه، مدرسی، جای بوین و گری آباد) را به نهادهای حمایتی و انقلابی تحویل دهد. حجتی زاده افزود: این زمین ها بخشی از محوطه بوستان های محلی در محلات کم برخوردار گنبدکاووس است که ساخت آن برعهده نهادهای حمایتی و انقلابی (کمیتة امداد، بهزیستی، هلال احمر، ستاد اجرایی فرمان امام، بنیاد برکت و آستان قدس) خواهد بود. معاون هماهنگی امور عمرانی فرمانداری گنبدکاووس هم در این جلسه توجه به محلات کم برخوردار این شهر توسط ادارات و نهادهای متولی را در قالب بازآفرینی شهری مهم دانست و گفت: در توجه به این محلات و توزیع امکانات و خدمات نباید هیچ تبعیض و بی عدالتی صورت گیرد. محمّدجان پاشی زاده افزود: کاهش فقر شهری، ارتقای تاب آوری (مقاوم سازی مسکن)، ارتقای هویت و منزلت بافت های تاریخی و افزایش انسجام اجتماعی از اهداف اصلی ستاد بازآفرینی شهری است که باید مورد توجه دستگاه های متولی با ارائه خدمات مناسب، قرار داشته باشد.



مالکان تخفیف داده است. مدیرعامل سازمان عمران و بازآفرینی شهرداری گنبدکاووس همچنین از جذب ۹۵۰ تن درسال گذشته و جذب ۵۶۰ تن قیر درسال جاری از وزارت راه و شهرسازی (شرکت بازآفرینی شهری ایران) برای آسفالت معابر در بافت های فرسوده و محلات کم برخوردار این شهر خبر داد و گفت: با این میزان قیر دریافتی ۸۵ خیابان و کوچه در سال گذشته آسفالت شد و امسال هم عملیات آسفالت ۷۰ کوچه و خیابان جدید در دستور کار شهرداری قرار دارد. وی ادامه داد: شهرداری در نظر دارد زمین مورد نیاز ساخت ساختمانی ۲ طبقه که

«دیگری» است. آن دیگری، که به هیچ راه و روشی، نمی‌توانیم او را به میان خود باز آوریم، یا با او یگانه شویم. هم‌این که با او یگانه می‌شویم، از ما می‌گریزد؛ و در بی‌گانگی، دوباره به سوی ما بازمی‌گردد. هم‌این که به زندگی، دل می‌بندیم؛ آونگ مرگ را می‌گرداند و از گذرندگی «آن» و «دم» سخن می‌گوید؛ و هم‌این که در اندیشه‌ی مرگ فرو می‌رویم؛ به باده‌ای، رستاخیزی برمی‌انگیزد. چنان که، زندگانی سرودنِ سرودِ خیام در میان ما، خود پرتوی از رستاخیز است. ای دوست! بیا! تا غم فردا نخوریم وین یک دم عمر را غنیمت شمریم فردا که از آین دیر کهن درگذریم با هفت هزار سالگان، سر به سریم

خیام، که — به گفته‌ی داریوش شایگان — نه عارف روزگارش بود، نه پی‌رو سخت‌پای ارسطویان، و نه شاعر سرشناس، به روزگاران (جامی) در بهارستان، بخش شعر و شاعری، نام او را حتی در میان ۳۵ شاعر برگزیده نیاورده و ترانه‌ای از او بازنوشته است؛



خیام در میان ما

خیام، آی خیام!...

هادی راشد

خیام در فرهنگ، شعر و ادبیات ما ایرانیان، از هر نگاه،

آن اندیشه‌ها را در آینه‌ی شعر فارسی باز یابد. برای نمونه، پیوستگی سخن خیام، «این کوزه‌گر دهر، چنین جام لطیف/ می‌سازد و باز بر زمین می‌زندش» را با سخن غزالی در نوشتار حکمت مخلوقات، بازجست؛ و نوشت: آیا آن رساله، نباید این رباعی را پدید آورد؟ از دید نیما، اندیشه زاینده‌ی اندیشه است. او که گرایش آزاداندیشی در شعر فارسی را شناخته بود، سویی‌ی دگرپودگی ترانه‌های خیام را در دگرپودگی شعر فارسی بازشناخت. چرا نباید بپذیریم که مانند خیام‌ها، بارها این رباعی را سروده‌اند. از دید او، «هیچ شخصی این‌قدر متمایز و مجرد یافت نمی‌شود، و باید این شخصیت بزرگ در پیرامون شخصیت‌های دیگر، کم‌وبیش، کوچک و بزرگ و شبیه خودش باشد.» (دریاه شعر و شاعری، ص ۱۰۲). با این نگاه، ترانه‌های خیام در آغاز سده‌ی بیستم، خون تازه‌ی در رگ شعر و ادبیات فارسی دواند.

پژوهشگر ادب فارسی

موزه‌ها گنجینه‌های فراموش شده

در اطلاع‌رسانی نیز نقش مهمی در این مهجوریت دارند. وی با یادآوری افزایش بازدیدکنندگان موزه‌های گلستان، به‌ویژه کاخ موزه گرگان، در ایام نوروز، پیشنهاد کرد: با همکاری دستگاه‌های مختلف، از جمله اداره‌کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، و از طریق اطلاع‌رسانی گسترده‌تر، باید مردم را به بازدید از موزه‌ها ترغیب کرد. وی ادامه داد: یکی از اقدامات مؤثر، رایگان کردن بازدید از موزه‌ها است که البته هنوز برای بسیاری از مردم ناشناخته مانده است. افزایش آگاهی عمومی، از طریق رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، می‌تواند این فرصت را به خانواده‌ها معرفی کند. موقعیت جغرافیایی گلستان، با دسترسی آسان به استان‌های شمالی و جاذبه‌های طبیعی و تاریخی فراوان، این استان را به مقصدی ایده‌آل برای گردشگران داخلی و خارجی تبدیل کرده است. با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های گردشگری و توسعه موزه‌ها، گلستان می‌تواند به یکی از قطب‌های اصلی گردشگری کشور بدل شود. این امر نه‌تنها به رشد اقتصادی استان کمک می‌کند، بلکه هویت فرهنگی آن را نیز تقویت خواهد کرد. موزه‌ها، با تمام چالش‌هایشان، همچنان گنجینه‌هایی بی‌بدیل برای حفظ و انتقال میراث فرهنگی‌اند. برای بازگرداندن آن‌ها به سید فرهنگی خانواده‌ها، نیاز به تلاشی جمعی است. از آموزش در مدارس و اطلاع‌رسانی گسترده گرفته تا به‌روزرسانی زیرساخت‌ها و ایجاد تجربه‌های جذاب و تعاملی. گلستان، با تاریخ و فرهنگ غنی خود، می‌تواند پیشگام این تحول باشد و موزه‌ها را به بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی مردم تبدیل کند.



نقش آفرین باشند و با معرفی دستاوردهای ایران، به ارتقای تصویر جهانی کشور کمک کنند اما این ظرفیت بدون رفع موانع موجود، به‌طور کامل محقق نخواهد شد.

چگونه موزه‌ها را به زندگی مردم بیاوریم؟

خاندوزی کمبود منابع مالی را یکی از موانع اصلی توسعه موزه‌ها در گلستان دانست و تاکید کرد: این استان به‌دلیل شاخص‌های پایین توسعه‌یافتگی، از کمبود اعتبارات رنج می‌برد اما مشکلات تنها به مسائل مالی محدود نمی‌شود؛ فقدان فرهنگ موزه‌گردی و ضعف

تجربه‌ای هم‌تراز با استانداردهای جهانی ارائه دهند و این کاستی‌ها، همراه با کمبود اطلاع‌رسانی، باعث شده تا حتی ساکنان محلی از گنجینه‌های شهر خود بی‌خبر بمانند. کارشناس میراث فرهنگی و سرپرست کاخ موزه گرگان، موزه‌ها را ابزاری کلیدی برای مستندسازی و انتقال تاریخ بشری می‌داند. به گفته جعفر خاندوزی، این نهادها نه‌تنها فرهنگ و تمدن ایران را به مردم کشور معرفی می‌کنند، بلکه در سطح جهانی نیز جایگاه ایران را به‌عنوان کشوری با تاریخی کهن و تمدنی غنی تقویت خواهند کرد. وی معتقد است موزه‌ها می‌توانند در دیپلماسی فرهنگی

موزه‌ها، راویان خاموش تاریخ و فرهنگ بشری، از روزگار غارنشینی تا قلعه‌های تمدن، داستانی شنیدنی دارند اما این گنجینه‌های ارزشمند، در برنامه‌های فرهنگی خانواده‌های ایرانی، از جمله در گلستان، هنوز به جایگاهی درخور نرسیده‌اند. به گزارش ایرنا، موزه‌ها با به‌هم‌پیوستن گذشته و حال به ما کمک می‌کنند تا ریشه‌های هویتی خود را بهتر بشناسیم و آینده‌ای آگاهانه‌تر بسازیم، از آثار هنری و علمی گرفته تا آداب و رسوم ملت‌ها، موزه‌ها دریچه‌ای به سوی درک عمیق‌تر فرهنگ و تاریخ‌اند. هزینه‌های ناچیز ورود به موزه‌ها نشان می‌دهد که مشکل، بیش از مسائل اقتصادی، به فقدان فرهنگ موزه‌گردی بازمی‌گردد. بسیاری از مردم، موزه‌ها را مکان‌هایی خشک و بی‌روح می‌دانند و ترجیح می‌دهند اوقات فراغت خود را در سینما، پارک یا مراکز خرید بگذرانند. کمبود آموزش در مدارس نیز به این چالش دامن زده است. دانش‌آموزان، که آینده‌سازان جامعه‌اند، کمتر با اهمیت موزه‌ها به‌عنوان ابزار یادگیری تاریخ و فرهنگ آشنا می‌شوند و این شکاف آموزشی، همراه با ضعف در فرهنگ‌سازی، موزه‌ها را از اولویت‌های فرهنگی خانواده‌ها دور نگه داشته است. استان گلستان، با بیش از هزار اثر ثبت‌شده ملی، ۶ اثر جهانی و ۱۵ موزه فعال، ظرفیت بی‌نظیری برای تبدیل شدن به قطب گردشگری فرهنگی دارد. تاریخ غنی، تنوع قومیتی و منابع میراثی، گلستان را به گوه‌ری درخشان در نقشه فرهنگی ایران بدل کرده اما چالش‌هایی مانند کمبود زیرساخت‌های مدرن، تجهیزات ناکافی و فقدان منابع مالی، مانع شکوفایی این ظرفیت‌ها شده‌اند. موزه‌های گلستان، به‌دلیل نبود فضاهای تعاملی و جذاب، کمتر توانسته‌اند

تخصصی برای خدمات دارویی، آزمایشگاهی، تجهیزات پزشکی و تصویربرداری ناباروری نیز در سامانه‌های سازمان انجام شده است. وی با اشاره به گستره خدمات در گلستان گفت: تا پایان بهمن ۱۴۰۳، بیش از پنج میلیارد تومان بابت خدمات درمان ناباروری در استان پرداخت شده است. هم‌اکنون مراکز طرف قرارداد شامل مرکز نرگس بیمارستان شهلا گنبد در سطح دو و مرکز نهال بیمارستان صیاد شیرازی گرگان در سطح سه هستند. حسینی افزود: در حال حاضر ۱۷ ماما در سطح استان برای ارائه خدمات درمانی ناباروری با بیمه سلامت همکاری دارند. همچنین تجویز و ارائه خدمات سونوگرافی توسط متخصصان زنان و فلوشیپ ناباروری در مراکز طرف قرارداد انجام می‌شود. بیمه سلامت ۴۵ کد خدمت جراحی آماده‌سازی برای درمان ناباروری را نیز فعال کرده است.

داروها، تجهیزات پزشکی و خدمات آزمایشگاهی مرتبط است. در مجموع، ۶۱ قلم دارو با پوشش ۹۰ درصدی در فهرست حمایت بیمه‌ای قرار گرفته‌اند. مدیرکل بیمه سلامت گلستان گفت: در کنار این خدمات، ۱۶ نوع آزمایش ژنتیک برای زوجینی که با سقط‌های مکرر یا شکست مکرر در لانه‌گزینی جنین مواجه بوده‌اند نیز پیش‌بینی شده است. همچنین خدماتی مانند رحم اجاره‌ای، جنین اهدایی، انجماد و ذخیره‌سازی بافت تولید مثلی برای مبتلایان به سرطان، در پوشش حمایتی بیمه سلامت قرار دارد. حسینی تأکید کرد: خدمات کمک‌باروری برای بانوان نابارور تا سن ۴۹ سال تمام و برای آقایان متأهل بدون محدودیت سنی ارائه می‌شود. همچنین پرداخت خسارت متفرقه به زوجینی که از مراکز غیر طرف قرارداد استفاده کرده‌اند، پیش‌بینی شده است. پیاده‌سازی کدهای

مدیرکل بیمه سلامت گلستان از پوشش ۹۰ درصدی خدمات درمان ناباروری توسط بیمه سلامت خبر داد و گفت: تاکنون بیش از پنج میلیارد تومان در گلستان برای این خدمات پرداخت شده است. به گزارش روابط عمومی، سید محمد حسینی گفت: سازمان بیمه سلامت ایران در راستای اجرای قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، خدمات گسترده‌ای را برای زوجین نابارور پیش‌بینی کرده است. بر اساس آخرین دستورالعمل خرید راهبردی خدمات، بخش عمده‌ای از هزینه‌های درمان ناباروری تحت پوشش بیمه قرار گرفته‌اند. وی با تشریح جزئیات خدمات تحت پوشش اظهار کرد: بیمه سلامت ۹۰ درصد هزینه‌های درمان ناباروری در مراکز دولتی و ۷۰ درصد این هزینه‌ها را در مراکز خصوصی پرداخت می‌کند. این حمایت شامل خدماتی نظیر IVF، ICSI، FET، IUI،

پوشش ۹۰ درصدی خدمات درمان ناباروری در گلستان

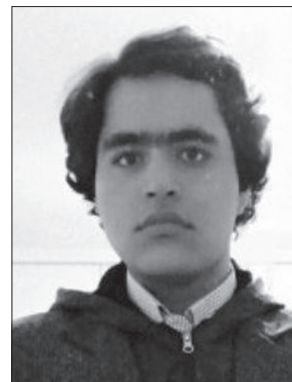
آویختگی



یا منتسب به شعر و شاعری در ذهن؟ آن هم پدری که پشت لوکوموتیو نشسته - دقت کنید، لوکوموتیو، و نه قطار - و چشمها و دست و پاهایش را از دست داده است و خودش مانده و یک روح مازاد. و چیزش هم لابد رفته تو این دست اندازها. بعد عقب وایساده و گفته الان دیگر دارو نمیشود خرید - آخر نویسنده ی گرامی نقد نقادانه ای هم دارد به تحریم داروها - پس برویم تو خط ترپاک، ترپاک، یک جنس سرمایه داری، بز نیم بر بدن. و چون مادر گرمای مشغول کار بوده در بیرون خانه، این علی بوده که بساط سیخ و سنگ و وافور و نعشه بازی پدر را فراهم میکرد و خودش هم یواشکی میکشیده، به این دلیل مبرهن-مزخرف که پدر کورست و نمیبیند. اما خب ما که میبینیم، میبینیم که نه تنها کارهای علی برایمان سطحی است - سطحی پردازش شده - بلکه رفتار دوستان دورش هم همینست و کل کاری که ازشان میبینیم اینست که کی برنامه خالی کنند برای مواد. و یکی نیست بپرسد اقلا از کجا پول مواد را فراهم میکنید؟ خودتان تو کار کشت اید یا آشنا دارید یا... چطوری است؟ چطوری است که میرسید به خودکشی؟ میخواهید فیلمی اخلاقی-تنبیهی بسازید؟ آخر و عاقبت آسمان و دود و جوانی را نشان دهید؟ با همه چه فیلمی؟ شاید بهترست خودتان اول تحقیق کنید یا حتی امتحانش کنید و بعد بیایید ماها را موعظه کنید. البته اگر بعدش گریه تان نگرفت و اور نزدیک و بقیه نگویند: «فاتحه!»

پخش کنید و بعد چت کنید؟ بعد بگویید عجب موزیک قشنگی. خود گویی و خود خنای، عجب مرد هنرمندی. لابد چهارسال هم توقیف بوده ای. با دیالوگ هایی که نه تنها برای شخصیت ها مزخرف است، بلکه بدتر از آن نوع بازگردانی هم هست. و هم فیلمبرداری. آن صحنه های شعرخوانی و نورپردازی چه بود؟ مثلا میخواستی فیلمت را هنری کنی؟ نهایت هنری که مهم است بکنی، این است که از خودت هنر در نکنی؛ دلقک! خب ممکن است هم بگویید که آویختگی قرارست درباره این باشد که یکی اعتیاد دارد و یکی دیگر - لابد در نقش کهن الگوی منجی-الله - قرارست به او کمک کند در ترک کردن. حتی اگر یکی واقعا اعتیاد داشته باشد، و حتی اگر دیگری واقعا بخواهد کمک کند. خب در قدم اول اینکه یک رولی که ایشان میدهند تو ریه های جوانش، برای یک روزست و بیشتر نمیکندش معمولا و آدمی که با همین یک، دو حتی سه-چهار رول برود جلو، اینقدر خل و چل نمیشود. که بخواهد داد و هوار راه بیندازد یا بخواهد کلی فکر و خیال کند و آخرش به خودکشی برسد. شاید بگویید ممکن است و من هم میگویم قبول، ممکن است. ولی آیا از خودتان نمیپرسید که چرا و برای چه افکار و خیالات برش میدارد اینقدر؟ چرا - با فرض هنری بودن صحنه های ذهنی پدرش - پدرش را میبیند و پدرش آوازهای مثلا آلترناتیو میخواند؟ فقط چون دوستش داشته پدرش را؟ دوست داشتن دلیل این میشود که پدر بشود شاعر

خاکستری و دود خب چرا هستی و ایستاده ای هنوز؟ علی مهم است یا کاری که میکند؟ شاید بگویید هر دو. درست. اما نباید همان تلاشی که از سمت علی شکل میگیرد، از سمت یلدا هم شکل بگیرد؟ این دختر، چه چیزی برای ارائه دارد؟ خودش یک پارچه خانم است و از ناف آسمان افتاده است پایین، کل کارکردش در بودنش- وجودش خلاصه میشود؟ وقتی نه اخلاقی دارد، نه افکاری، نه احساس خاصی، و چیزی، خب فرقت با یک ربات و یک عروسک و یک نائنسان در چیست؟ رو این مورد هیچ دقیق شدنی شکل نمیگیرد. که فرض کنیم یک رابطه است و یک طرفش مرد است و یک طرفش زن، مرد - حتی با تعریفی پدرسالارانه - قرارست یک سری خدمات - اعم از احساسی، عاطفی، مادی مثلا - به خودش و زن بدهد، و زن هم. ولی وقتی زن - خصوصا در یک فیلم ایرانی - چیزی نیست جز حرفش، و همین حرف هم در آویختگی تبدیل میشود به سکوت و سردی و تبدیل شدن به دومین مادر - مادری که شما را از شخصیت تهی میکند و برایتان امر و نهی میکند و میشود دومین قانون گذار خانه- رابطه - آن وقت این اصلا شخصیتی هست که بخواهیم رویش صحبت کنیم یا بتوانیم درباره اش بحث کنیم؟ از آن سو اگر بخواهیم صادق باشیم، به زعم من، هیچ داستان ایرانی ای نیست که بخواهد درباره اعتیاد باشد و بهتر از برج سکوت حمیدرضا منایی باشد. برج سکوت فقط درباره ی اعتیاد نیست، ولی اعتیاد بخش اعظمی از رمان را در برمیگیرد. یک مثال از نام گذاری همین برج سکوت است. رمانی درباره ی دهه شصت، درباره ی حاشیه نشینی، درباره عشق، کار، و مواد، مواد، مواد مثلا که نیامده اسمش را بگذارم خماری، یا خفگی، یا بیهودگی، یا چیزهای دیگری چون آویختگی. برج سکوت برجی است که در جای جای و شاید بشود گفت هر روز این رمان، در تن شخصیت-داستان تنیده است و میپچید بهش تا به روزی که برسد بالاش و تن خودش را به تنهایی بکشد رو دوشش و ببرش آن بالا تا خودش خودش را بگذارد برای گفتارها-لاشخورها. فارغ از دنیا. رها. درین مسیر هم مدام درین فکر است که: «تو پی چی ای هان؟» پی اینکه ترک کنی و دختره باهات خوب بشود؟ تازه تو سن ت از دختره کمترست و دختره دیگر دختر نیست و ازدواج کرده و طلاق هم گرفته یک بار و معلوم نیست کی و کجا باهم آشنا شدید، از چی هم خوششان میآید، از چی بدتان میآید، میخواهید کجا بروید، چی کار کنید، کارتان چیست، حرفه تان چیست، شغلان چیست، دردتان چیست، لذتتان چیست... مضحک نیست که اوج روشنفکرتان تان این باشد که فرستاده ی گری مور را



محمد صالح فصیحی

آویختگی، از جمله اسامی ای است که مثال های دیگری هم در سینمای ایران دارد. یک مصدر. مانند خفگی جیرانی. شاید برای فرار از یافتن اسمی درست. اسمی که هم جذاب باشد هم جدید باشد و هم به تمامیت فیلم بخورد. تمامیت فیلمی که قرارست درباره اعتیاد باشد. مسخره. خب که چه؟ «گل هم بزنی گریهت میگیره، استیلی» شخصیتش، اینطورست. یکی که معتادست به گل، بعد هم میرود در جمع دوستانش و در حلقه ی گل و مل، خوش میخواند برایش بلبل در مملکت گل و قل. قل. آقا نه معلوم است کارش چیست و دردش چیست و درمانش چیست. نه تنها این مشکل شخصیت اصلی است بلکه مشکل دیگران هم هست، مشکل دوستانش هم. همه یک سایه اند. یک جمله. علی که شخصیت اصلی است اعتیاد دارد و فقط حاضرت برای زیدش ترک کند گل را و این را هم نمیتواند. زیدش هم که بهترین زید روی زمین - با زشت ترین چهره ی روی زمین که هزارتا گیریم هم نتوانسته بر و رویی بلهد به این دختر عملی - از دار دنیا فقط میخواهد علی را ترک بلهد تا علی برگردد به خودش. انگار مثلا علی چه تحفه ای است یا چه کسی است که اگر برگردد به خودش خانه و خانواده اش میشود گلستان. البته یلدا - یعنی همین دخترخانم - تلاشی هم نمیکند برای ترک دادن علی. کل تلاش او، خلاصه شده است در کل سردی-ادای دختران ملعی، قهر و سکوت و دوری. جواب نمیلهد و سین نمیکند و تهدید به رفتن میکنند. یکی نیست بگوید خب برو. اگر تمام رابطه رو علف بنا شده است و متکی است به سبزی که سیاه میشود، بعد قرمز، بعد





کاناپه

قضایا. که انگار نه انگار این جا همه تان از حرف و لغت میترسید و دم به آتشش میدید و اما جلوش تماماً متناقضید. بعد از آنسو اگر مسئله ی ما، این تناقضات است، و برایمان این مهم است که این مشکلات کلیشه ای در فرهنگمان حل شود، هزارتا مورد بزرگتر از این هم هست و هم حتی هنری تر از این، که بتواند بار یک فرهنگ را به دوش بکشد و بخواهد میانجیگری کند میان نقد-ملت. نه یک مبل-کاناپه ی قراضه. و نه یک مرگ بی دلیل و ساده، در انتهای فیلم. به استعمال مرگ در پایان فیلمهایمان معتاد شده اید! جقدر فیلم ایرانی میشناسید که تهش به مرگ منتهی میشود؟ از متری شش و نیم و برادران لیلا و دربارہ الی گرفته، تا ماهی و گریه و هجوم و سریال هایی چون هشت و نیم دقیقه و زیر تیغ. روندی که منافی واقع گرایی نیست اما در معنی تام واقع گرایی هم نیست. دلیل نمیشود که هرچقدر مرگ و میر و درد بیشتر باشد، آن فیلم هم واقعی تر باشد. واقعیت را تمامی اجزای یک فیلم در درون ساختار و فرای از ساختارش تعیین میکند. چه بسا که فیلمی چون آلیس در سرزمین عجایب، چارلی و کارخانه ی شکلات سازی، یا کتابی چون کافه ی خیابان گوته، یا در مثالی غریب تر، رمان وضعیت بنفش، هزارهزار بار واقعی تر از انبوهی ی سریال های ایرانی باشد. که همین طور هم هست. چون منطق را رعایت میکند حتی در فضایی که بی منطقی حکمفرماست به ظاهر. بی منطقی ای که در آن میشود از جیب معلمان یک مملکت زد و خورد و برد و بعد بیایی در دستگاه مثلا فرهنگی کشور و برای سینمایش پول خرج کنی - عین امامی. یا بیایی و از پدرسالاری - در خانه پدری - و یا حجاب اجباری - در کاناپه - بگوئی و توقیف شوی و ژست معترض-اتلکت بگیری و مدتی بعد بروی و برای شبکه ی یک، ساعت ده شب، سریالی بسازی به نام ۸۷ متر - یعنی عیاری. و برایت هیچ فرقی نداشته باشد خر و خرما و آش و جاش و کاسه و هرچیزی که کمی پیچیدگی برایت دارد: اصل پول است و سود. خب باشد: «طناب دار گرده، آسیاب به نوبت!»

نداری پول یک مبل را دربیآوری و بعد این تمام میشود، اما وقتی که خواستگار دخترتان میاید به خانه تان، میفهمند و میفهمید که این، مبل آن ها بوده که انداخته بودند بیرون و حالا شما آن را آورده اید درون خانه تان. خواستگار هم همسایه ی یک کوچه آن ورترتان هست. حالا همین مسئله ای که میتواند به راحتی تمام شود و حل و فصل شود، از سوی دو خانواده آنقدر کش داده میشود که غالب زمان فیلم را پر کند. کش دادنی ازین جنس که آبرویمان رفت یا آن ها بدبخت-بیچاره اند و وای همه فهمیدند و این ها وصله ی ما نیستند و حرف و حرف و حرف. خودت را بینداز در هزار دردسر. از خود پیرت تا بچه ی کوچک و جوانت. همه تان دامن میزنید به این حرف. خب، شاید که این در نظر عیاری نقد باشد. اما از آنسو همین افراد خانواده، در مواجهه با رفتار و گفتار دیگران، چنان روشنفکر میشوند، که نگو و نفرس. اینطوری که رفتار مادره چه ربطی به پسره دارد؟ یا باباهه پشت زنش را نمیگیرد چون لابد طرفدار حقیقت است. یا مامان دختره وقتی از مادر داماد بدش میآید، این ناخوشایندی را به پای داماد نمینویسد و ازین دست

و نبودشان یکی است. تنها کارشان در یک ساعت و چهل دقیقه ی فیلم، یکی اینست که صحنه ی انداختن گل درون سطل آشغال را یکیشان میبیند، و آن یکی هم میآید و پارچه ی مبل را رنگ میکند. همین دوتا کار را انجام میدهند و از آنور در غالب غالب صحنه های فیلم، ما چهار زن را رویرویمان داریم. این چهارزن، چه کارکردی در فیلم دارند؟ یکیشان مادرست و تاثیرگذارست. یکیشان دم ازدواج است و قبول. دوتای دیگر اما هیچ کاری نمیکند. هیچی. در اینجا حتی ازدواج دختر بزرگ هم اهمیت خودش را از دست میدهد وقتی در مواجهه ی با مسئله ی «حرف مردم» قرار میگیرد. حرفی که - مضحک اینجاست - از بزرگ به کوچک این خانواده به آن باور و اعتقاد دارند. به اینکه شما رفته ای سر کوچه تان و یک دست مبل نو را دیده اید که بغل سطل زباله است. بعد فکر میکنید که این بهتر از آن مبل راحتی تو خانه تان است، برای همین یکی ازین مبل ها را میآورید تو خانه و از همان اول دعا و بحث شروع می شود تو خانه، که این کر و کثیف است و معلوم نیست برای کی و چیست و مگر ما گلاییم یا چرا عرضه

کاناپه، فیلم توقیفی کیانوش عیاری، که سال ۱۳۹۵ ساخته شد و توقیف بود و ماند تا ۱۴۰۳ که نسخه ای ازش در یوتیوب منتشر شد و پخش شد و همچنان توقیف بود و هست به این دلیل مقدس و موجه که چرا بازیگران زن، در صحنه های داخلی خانه، از کلاه گیس استفاده کرده اند و روسری و چادر و شال و اینچور چیزها به سر و رو و گردن ندارند در خانه شان. عیاری پیش ازین نیز فیلم دیگری ساخته بود به نام خانه پدری، که آن نیز به دلایل-بهبانه های مختلف یا مجوز نمیگرفت یا میگرفت و رو پرده میرفت و پس از مدت کوتاهی دوباره از پرده پایین میآمد و پایین نگه داشته میشد و دیگر بالا نمیرفت. شاید هم به این دلیل که بخش اعظمی از سینماهای کشور دست در دست حوزه هنری دارند. یک کاسه ی داغ تر از آش. که به نظر برادر بزرگ نابیمان، حوزه هنری و دانشگاه فرهنگیان، از جمله سازمان ها و اداراتی هستند که راهگشای آینده ی پرنور ما هستند و امید همه به همین جاهاست: «مدرسه دامداری شده، بازار کار چرخ گوشت - بهرام؛ بشنو» و البته همین کاناپه هم به دست تهیه کننده ای ساخته میشود به نام محمد امامی، که پرونده های اخلال و فسادش در بانک سرمایه و صندوق ذخیره ی فرهنگیان، همچنان در تارک سیستم نورانی میدرخشد، مثل جزایری، کرپاسچی، و باقی فک و فامیل و دوستان و حضار و آشنایان. کاناپه تلفیقی است از هنر ساده و سادگی هنری، شاید این تعبیر خوب نیست، از اول: کاناپه ترکیبی است از داستان و بی داستانی، از مسخرگی و مهمی، از نقدکردن فضای فکری جامعه و از آنسو، پروبال دادن به همین فضای فکری جامعه. فضایی درگیر کلیشه و خرافه و سنت - همیشه. فضای یک خانواده، که از قضا سه دختر بزرگ به کوچک دارد، و خب صحنه های تو خانه را هم که گفتم، حجاب سری توش نیست و ندارند، و از قضا تر تمامی این دختران، باهم دیگر، کارکردی هم درون این فیلم ندارند. یکی قرارست ازدواج کند و اهمیت پیدا میکند. خب قبول. اما دوتای دیگر بود



پوست میوه‌ها برای سلامتی ضرر دارند یا فایده؟



پوست میوه‌ها و سبزیجات می‌تواند از برخی بیماری‌ها پیشگیری کند

میوه‌ها و سبزیجات حاوی آنتی اکسیدان‌هایی هستند که ترکیبات گیاهی مفیدی هستند که ممکن است خطر ابتلا به چندین بیماری را کاهش دهند. به زبان ساده، عملکرد اصلی آنتی اکسیدان‌ها مبارزه با مولکول‌های ناپایدار به نام رادیکال‌های آزاد است. سطوح بالای رادیکال‌های آزاد می‌تواند باعث استرس اکسیداتیو شود که در نهایت می‌تواند به سلول‌ها آسیب برساند و به طور بالقوه خطر بیماری را افزایش دهد. در واقع، محققان بر این باورند که آنتی اکسیدان‌ها ممکن است به کاهش خطر بیماری قلبی و انواع خاصی از سرطان کمک کنند. همچنین این آنتی اکسیدان‌ها می‌توانند بر پیشگیری از بیماری‌های عصبی مانند آلزایمر نیز موثر باشند. میوه‌ها و سبزیجات به طور طبیعی سرشار از آنتی اکسیدان هستند، اما طبق تحقیقات، به نظر می‌رسد آنتی اکسیدان‌ها بیشتر در لایه بیرونی متمرکز شده‌اند. در یک مطالعه، سطح آنتی اکسیدان در پوست میوه‌ها و سبزیجات تا ۳۳۸ برابر بیشتر از گوشت (پالپ) آنها بود. بنابراین، اگر می‌خواهید دریافت آنتی اکسیدان‌های میوه و سبزیجات را به حداکثر برسانید، باید آنها را با پوست مصرف کنید.

برخی از میوه‌ها ناچاراً باید بدون پوست مصرف شوند

مصرف پوست برخی از میوه‌ها یا سبزیجات ممکن است سخت باشد یا غیرقابل خوردن باشد. به عنوان مثال، پوست آووکادو غیرقابل خوردن در نظر گرفته می‌شود. صرف نظر از اینکه آنها به صورت پخته یا خام مصرف شوند. سایر پوست میوه‌ها و سبزیجات مانند آناناس، خربزه، پیاز و کرفس می‌توانند بافتی سفت داشته باشند که طبیعتاً جویدن و هضم آن دشوار است. این پوست‌ها معمولاً بهتر است برداشته شوند و خورده نشوند. علاوه بر این، در حالی که برخی از پوست‌های سبزیجات خوراکی در نظر گرفته می‌شوند، برای اکثر آنها وقتی خام هستند خیلی اشتها آور نیستند. به

در رابطه با اینکه خوردن بیشتر میوه و سبزیجات چقدر می‌تواند مفید باشد هیچ بحثی وجود ندارد. کاملاً واضح است که مصرف میوه و سبزیجات برای سلامتی بسیار کارایی دارد. اما اینکه این میوه‌ها و سبزیجات بهتر است با پوست یا بدون پوست مصرف شوند، اغلب مورد بحث است. به گزارش ایرنا زندگی، پوست‌ها اغلب به دلیل عادت داشتن، یا در تلاش برای کاهش قرار گرفتن در معرض آفت‌کش‌ها دور ریخته می‌شوند. با این حال باید در نظر داشت که حذف پوست آن‌ها ممکن است به معنای حذف یکی از غنی‌ترین قسمت‌های گیاه باشد. طبق گزارشات، مقدار مواد مغذی موجود در آنها بر اساس نوع میوه یا سبزی متفاوت است. به طور کلی، محصولات پوست نشده حاوی مقادیر بیشتری از ویتامین‌ها، مواد معدنی و سایر ترکیبات گیاهی مفید نسبت به محصولات پوست کنده هستند.

بررسی میزان مواد معدنی در پوست میوه و سبزیجات

در واقع، یک سیب خام با پوست حاوی ۳۳۲ درصد ویتامین K بیشتر، ۱۴۲ درصد ویتامین A بیشتر، ۱۱۵ درصد ویتامین C بیشتر، ۲۰ درصد کلسیم بیشتر و تا ۱۹ درصد پتاسیم بیشتر از سیب پوست کنده است. به طور مشابه، یک سیب زمینی آب‌پز با پوست تا ۱۷۵ درصد ویتامین C بیشتر، ۱۱۵ درصد پتاسیم بیشتر، ۱۱۱ درصد B۹ بیشتر، و ۱۱۰ درصد منیزیم بیشتری نسبت به سیب زمینی پوست کنده دارد. پوست سبزیجات همچنین حاوی مقدار قابل توجهی فیبر و آنتی اکسیدان بیشتری است. به عنوان مثال، تا ۳۱ درصد از مقدار کل فیبر موجود در یک سبزی را می‌توان در پوست آن یافت. علاوه بر این، سطح آنتی اکسیدان در پوست میوه‌ها می‌تواند تا ۳۳۸ برابر بیشتر از گوشت آن‌ها باشد. بنابراین، خوردن میوه‌ها و سبزیجات حاوی پوست می‌تواند واقعاً مصرف مواد مغذی شما را افزایش دهد.

پوست میوه‌ها باعث می‌شود مدت بیشتری احساس سیری کنید

پوست میوه‌ها و سبزیجات می‌تواند گرسنگی را کاهش دهد و به شما کمک کند مدت طولانی‌تری احساس سیری کنید. این موضوع تا حد زیادی به دلیل محتوای فیبر بالای آنها است. بسته نوع و میزان آن، میوه‌ها و سبزیجات تازه ممکن است قبل از برداشتن لایه‌های بیرونی تا یک سوم فیبر بیشتری داشته باشند. چندین مطالعه نشان می‌دهد که فیبر می‌تواند به شما کمک کند مدت طولانی‌تری احساس سیری کنید. فیبر ممکن است این کار را با کاهش فیزیکی معده، کاهش سرعت تخلیه آن، یا با تأثیرگذاری بر سرعت ترشح هورمون‌های سیری در بدن شما انجام دهد. بنابراین، میوه‌ها و سبزیجات پوست نشده ممکن است به کاهش گرسنگی و حتی کاهش وزن کمک کنند.

«آگهی‌نشی»

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۰۰۱۰۰۰۹۶۴ تقاضای آقای محمدباقر رویانی شماره شناسنامه ۲۶ و کد ملی ۲۱۲۱۹۲۱۹۸۲ صادره از گرگان فرزند حسینی در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی بمساحت ۲۷۵۵۰ مترمربع از پلاک شماره ۱۹۱- اصلی واقع در اراضی نودیکه بخش دو حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی میشود از این رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نمایند. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۲/۱۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۳۰ جواد پورمند- کفیل اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان - شناسه آگهی ۱۹۲۴۴۸۸

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۰۰۱۰۰۰۷۲۶ تقاضای آقای محمدمهدی رویانی شماره شناسنامه ۱۰۴ و کد ملی ۲۲۴۹۱۴۳۸۴ صادره از کردکوی فرزند حسینی در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی بمساحت ۴۱۸۳۲.۵۰ مترمربع از پلاک شماره ۱۹۱- اصلی واقع در اراضی نودیکه بخش دو حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی میشود از این رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نمایند. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۲/۱۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۳۰ جواد پورمند- کفیل اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان - شناسه آگهی ۱۹۲۴۴۹۵

مجمع عمومی عادی سالانه

به استحضار می‌رساند

جلسه مجمع عمومی عادی سالانه هیأت امناء انجمن خیرین مسکن ساز استان در مورخه ۱۴۰۴/۰۳/۱۰ ساعت ۱۴،۰۰ در محل: اداره کل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان گلستان با دستور جلسه ذیل برگزار می‌گردد:

- ۱- استماع و رسیدگی به گزارش هیأت مدیره و بازرس
- ۲- انتخاب اعضاء جدید هیأت امناء، هیأت مدیره و بازرس
- ۳- تعیین سیاستها و خط و مشی انجمن
- ۴- تعیین روزنامه یا هفته نامه استانی برای درج آگهی و دعوتنامه

آگهی دعوت سهامداران شرکت بسته بندی بذور کشاورزی بذر جیحون (سهامی خاص) به شماره ثبت ۳۱۵ و شناسه ملی ۱۰۷۰۰۰۳۳۷۴۷

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت دعوت می‌شود

تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه برای انتخاب و تعیین سمت مدیران و انتخاب بازرسین و روزنامه کثیرالانتشار و تعیین دارندگان حق امضا که در تاریخ ۱۴۰۴/۰۳/۱۰ ساعت ۹ صبح به آدرس شرکت واقع در گلستان، آق قلا، جاده گرگان به آق قلا، شرکت پذیرجیحون به کد پستی ۴۹۳۱۷۱۳۵۱۵ تشکیل می‌گردد حضور بهمراه رسانند.

دستور جلسه:

- ۱- انتخاب و تعیین سمت مدیران
- ۲- انتخاب بازرسین
- ۳- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار
- ۴- تعیین دارندگان حق امضا

هیئت مدیره



جای خالی مهندسان شه‌رساز در مدیریت شهری



محمدرضا سروانی فیروز

شهرها قلب تپنده زندگی مدرن‌اند؛ اما این قلب گاهی بیمار می‌شود: ترافیک نفس‌گیر، آلودگی هوا، کمبود فضاهای سبز، سیل‌های ویرانگر و مدیریت نادرست منابع، تنها بخشی از مشکلاتی هستند که شهرهای ما به‌ویژه در استان گلستان با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند. این چالش‌ها نشان می‌دهند که شهرهای ما به مراقبت و برنامه‌ریزی بیشتر و هدایت هوشمندانه نیاز دارند. این راه حل‌ها، نیازمند متخصصان بین رشته‌ای هستند که مرکز ثقلشان برنامه‌ریزان شهری و مهندسان شه‌رساز هستند. اما چرا امروز جای آنان در مدیریت شهری خالی است؟

مشکلات شهری و خلأ برنامه‌ریزی علمی

در سال‌های اخیر، مشکلات شهری در ایران شدت گرفته‌اند. در استان گلستان، موضوع سیل‌ها، مانند

سیل سال ۱۳۹۸ و پیش از آن، خسارات سنگینی به بار آورد. ترافیک سنگین در شهرهایی مثل گرگان و گنبدکاووس، کمبود حمل‌ونقل عمومی، حاشیه‌نشینی، کمبود پارک‌ها و فضاهای سبز، و مدیریت ناکارآمد پسماند، زندگی روزمره مردم را تحت تأثیر قرار داده‌اند. این مشکلات نتیجه نبود برنامه‌ریزی اصولی و علمی است. مهندسان شه‌رساز متخصصانی هستند که در مورد سامان‌دهی کاربری زمین، بهبود شبکه حمل‌ونقل، افزایش تاب‌آوری شهرها و موضوعات مبتلا به شهری تحقیق و راه حل ارائه می‌دهند. اما در بسیاری از موارد تصمیم‌گیری‌های شهری بدون بهره‌گیری از تخصص آن‌ها انجام می‌شود. نتیجه آن شهرهایی است که به جای رشد پایدار، هر روز با مشکلات بیشتری مواجه می‌شود. بخشی از چالش‌های زیست شهری، به دلیل برهم خوردن تعادل بین توسعه انسانی و حفظ طبیعت است. در جهان امروز، دانش اکولوژی که روابط موجودات زنده با محیط زیست را بررسی می‌کند، بیش از هر زمان دیگری مورد نیاز است. مهندسان شه‌رساز با بهره‌گیری از این علوم و تجربیات اکولوژی می‌توانند شهرهایی را برنامه‌ریزی و طراحی کنند که رفع نیازهای ساکنان شهر آسیب کمتری به منابع و زیست بوم سیاره وارد کند.

نقش کلیدی مهندسان شه‌رساز و همکاری فرا رشته‌ای

مهندسان شه‌رساز حال و آینده شهرها را برای پایداری در نظر می‌گیرند و وظایف آن‌ها شامل موارد زیر است: **برنامه‌ریزی کاربری زمین:** تعیین اینکه هر منطقه برای چه فعالیتی (مسکونی، تجاری، صنعتی) مناسب است تا تعادل شهر حفظ شود. **طراحی حمل‌ونقل کارآمد:** ایجاد سیستم‌های حمل‌ونقل عمومی و مسیرهای دوچرخه‌سواری برای کاهش ترافیک و آلودگی. **حفاظت از محیط زیست:** مدیریت منابع طبیعی، افزایش فضاهای سبز و کاهش آلودگی. **تاب‌آوری در برابر بحران:** آماده‌سازی شهرها برای مقابله با بلایایی مثل سیل و زلزله و داشتن برنامه‌ای کارا جهت اقدام بعد از بحران. **بازآفرینی شهری:** تهیه برنامه‌هایی جهت بهبود کیفیت زندگی ساکنان بافت‌های فرسوده و سکونتگاه‌های غیررسمی.

حفاظت از هویت و تاریخ شهر: طرح‌های حفاظت از بافت‌های تاریخی با مستندسازی از وضع موجود هر بافت و برنامه‌ریزی جهت آینده‌برای حفظ هویت شهرها. **طرح‌های گردشگری:** شناسایی پتانسیل‌های بالقوه و وجه تمایز آنها جهت برنامه‌ریزی ایجاد جاذبه و تمهید زیرساخت‌های ورود گردشگران. ارزیابی تأثیرات قبل و بعد از ایجاد پروژه‌ها: این امر بدلیل مطالبه‌گری‌های شه‌روندان جهت آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی بعضی پروژه‌ها به موضوع روز شه‌رسازی جهان تبدیل شده است. شه‌رسازی یک حوزه فرا رشته‌ای است که از همکاری با دیگر تخصص‌ها سود می‌برد. مهندسان شه‌رساز می‌توانند با متخصصان دیگر همکاری کنند تا راه‌حل‌های جامع‌تری ارائه دهند: **همکاری با مهندسان محیط زیست:** برای طراحی سیستم‌های پیشرفته مدیریت پسماند و منابع آب. **مشارکت با معماران:** جهت استفاده از هنر معماران در ایجاد بناهای ماندگار و دارای هویت در شهرها و برای خلق ساختمان‌های پایدار و کم‌مصرف و سازگار با محیط زیست. **تعامل با جامعه‌شناسان:** برای طراحی فضاهای عمومی که نیازهای اجتماعی و فرهنگی را پاسخگو باشد و ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی پروژه‌های شهری. **هم‌افزایی با مهندسان ترافیک:** برای بهبود حمل‌ونقل شهری و کاهش آلودگی. **همکاری با اقتصاد دانان:** رشد و توسعه شهرها با استفاده از منابع مالی و تولید ارزش افزوده در شهرهاست که با کمک اساتید اقتصاد میتوان درآمدی پایدار برای شهرها بدست آورد. این همکاری‌ها به شه‌رسازان امکان می‌دهد تا از دانش و مهارت‌های دیگر رشته‌ها استفاده کنند و شهرهایی کارآمدتر و پایدارتر بسازند.

راه‌حل‌های پیشنهادی برای گلستان

مهندسان شه‌رساز می‌توانند با راه‌حل‌های خلاقانه و عملی، مشکلات گلستان را به فرصت‌هایی برای پیشرفت تبدیل کنند: **کاهش ترافیک:** توسعه حمل‌ونقل عمومی مثل اتوبوس‌های سریع‌السیر و مسیرهای دوچرخه‌سواری. مقابله با سیل: طراحی سیستم‌های مدیریت سیلاب مانند کانال‌های انحرافی و فضاهای سبز جاذب آب.

مواجهه موثرتر با موضوع حاشیه‌نشینی: برنامه‌ریزی برای مسکن ارزان‌قیمت و ارائه خدمات شهری به مناطق حاشیه‌ای.

افزایش فضاهای سبز: ایجاد پارک‌های جدید و حفاظت از جنگل‌ها و طبیعت اطراف شهرها. **مدیریت پسماند:** راه‌اندازی سیستم‌های بازیافت و تشویق شه‌روندان به کاهش تولید زباله.

فناوری‌های شهر هوشمند: استفاده از مدیریت هوشمند شهری یعنی استفاده از تکنولوژی مثل سنسورهای کنترل ترافیک یا اپلیکیشن‌های گزارش‌دهی مشکلات، جهت بهبود کیفیت زندگی شه‌روندان.

چرا خلأ مهندسان شه‌رساز بیشتر به چشم می‌آید؟

با پیچیده‌تر شدن نیازهای شهری، نقش مهندسان شه‌رساز حیاتی‌تر از همیشه است. فناوری‌های نوین مثل شهرهای هوشمند، که می‌توانند ترافیک یا مصرف انرژی را بهینه کنند، به برنامه‌ریزی دقیق نیاز دارند. تغییرات اقلیمی و بلایای طبیعی نیز نشان داده‌اند که شهرهای ما به تاب‌آوری بیشتری نیاز دارند؛ کاری که بدون تخصص شه‌رسازی ممکن نیست. وقتی این تخصص‌ها به کار گرفته نشوند، تصمیمات کوتاه‌مدت و بدون پشتوانه علمی، شهرها را در چرخه‌ای از مشکلات گرفتار می‌کنند.

نوشدارو باید به موقع باشد

جای خالی مهندسان شه‌رساز امروز بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود، چون شهرهای ما با چالش‌هایی روبرو هستند که راه‌حلشان نیازمند حضور آن‌ها و همکاری بین‌رشته‌ای آن‌ها با دیگر حرفه‌هاست. تلفیق دانش اکولوژی با شه‌رسازی و بهره‌گیری از تخصص‌های متنوع، کلید ساخت شهرهایی پایدار، مقاوم و زیبا برای آینده است. باید نقش پراهمیت و استراتژیک شه‌رسازان در نهادهای مربوطه مانند شهرداری‌ها و استانداری بازتعریف شود. امروز می‌توان برای حل مشکلات فکری کرد لیکن با ادامه کم‌توجهی به برنامه‌ریزی علمی در حوزه شه‌رسازی، گره‌گشایی از بحران‌ها بسیار سخت‌تر خواهد بود.

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری و عضو انجمن مهندسان شه‌رساز استان گلستان

کاهش جمعیت تهدیدی فراتر از تصور است

مقابله با این بحران، قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در سال ۱۴۰۰ به تصویب رسید که این قانون با هدف پشتیبانی همه‌جانبه از خانواده‌ها و تشویق فرزندآوری طراحی شده است. رئیس گروه جوانی جمعیت مرکز بهداشت استان گلستان معتقد است: قوانین به‌تنهایی نمی‌توانند این چالش را حل کنند و ما نیازمند بازگشت به فرهنگ اصیل فرزندآوری و فرزندپروری هستیم. وفایی با اشاره به ارزش‌های تاریخی ایرانیان، تأکید کرد: خانواده‌محوری و تکریم جایگاه مادر، همیشه بخشی از هویت ما بوده و اکنون زمان آن است که این ارزش‌ها را احیا کنیم و جایگاه والای مادری و تربیت فرزند را دوباره به مرکز توجه بازگردانیم. وی مردم گلستان را به مشارکت در این حرکت ملی فراخواند و گفت: هر خانواده می‌تواند با ترویج فرهنگ فرزندآوری، سهمی در حفظ جوانی و پویایی جامعه داشته باشد.

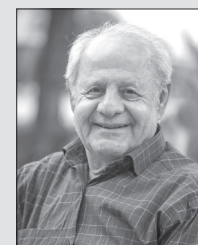


مواجه خواهیم شد که چالش‌های آن، همه ما را تحت تأثیر قرار خواهد داد. در راستای

نخواهد داد و اگر روند کنونی ادامه یابد، در سال‌های نزدیک با جامعه‌ای سالمند



در جستجوی آرامش



مهدی سیف حسینی

چه شکوهمند است در انتهای شب و سکوت با خود تنها شدن و ذهن را در یک حالت مدیتیشن رها کردن و در خود رفتن و تمرکز بر خود کردن و حس اینکه چون عطر نرمی تنت را با یک بوی خوش به فضا پرواز کردن و از پنجره اطاق به بیرون رفتن و با مل مل ابر سفید در زیر نور ماه و سیاهی شب ابر با هم آغوش شدن و رهایی که چه حس ارزشمندی است و چه نیاز فراوان به این حس که بسیار کم به سراغ مان می آید. شاید گمان رود که در این برهوت جنگل جنگ و خشونت و جدال اینگونه احساس کردن، دور از عقل و منطق باشد اما چه ارزشمند است لحظاتی که چنین حالاتی شکل می گیرد. یک حالت خلسه جدا از همه عالم و آدم که بشدت نیاز است، نیاز به با خود بودن، خود تنها و ذهن را کنکاش نمودن و در یک حالت تمرکز عرفانی مدیتیشن کردن و حس را با خود به خلوت دعوت کردن و قید همه چیز دنیای مادی پیرامون را زدن، از همه چیز رها شدن، از رادیو، تلویزیون، موبایل، اینترنت، خبرهای مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی از نزاع جنگ و جدال

فقر، گرسنگی، بیکاری از احتکار و رانت و تورم، دزدی، فساد، نکبت زندگی هر چه اسمش را می خواهی بگذاری نظام های توتالیتر، دموکراسی، دیکتاتوری، نظام های ایدئولوژیک، سوسیالیسم، کاپیتالیسم، نازیسم، فاشیسم و هزار اسم دیگر همه را رها کردن و ول شدن در درون خودت و خودت را در آغوش گرفتن و با خود خودت زمزمه کردن، دوباره متولد شدن و دوباره خلق کردن و زندگی را از دریچه دیگر نه آن سخره ای که هر روز می گشایی و همان منظره را و همان ساختمان ها را و ... می بینی. که چیزی دیگر دیدن، چیزی که تاکنون به نگاهت نیامده بود، چیزی نو، چیزی تازه و ذهن را پرواز دادن در لحظه، تمرکز و توجه به حالت مدیتیشن با اوج پرواز کردن و امواج بیشمار رشته های مغز را در فضای لایتناهی، کرات آسمانی، کهکشان ها و سیارات و ستارگان پرواز دادن و دنیای عالم هستی و تمام کائنات را از آن اوج دیدن که نه فقط زمین کوچک ذره در میان اینهمه کرات که به نقطه ای می نمایاند کوچک و بی مقدار تا چه رسد به ساکنان این

دیوار پر از جدال و من هنوز درگیر ذهن احساسی خودم هستم و اینکه چقدر دیر به دیر این احساس سراغ من می آید که باید زودتر و بیشتر بیاید زیرا همراه خود شگفتن، باز شدن، رستن و دوباره همه چیز را جدید و تازه دیدن و حس را تعالی دادن که شاید برای برخی در این برهوت زندگی دور از واقعیت باشد و تمسخر اینکه جدا شده ایم از زندگی، از طبیعت، از واقعیت بقول نیچه؛ اما مگر همین نیچه نبود که گفت آنگونه که هستی باش و من این لحظه اینگونه ام و می خواهم در خودم شوق دیدار آنچه را که ندیده ام زنده کنم و راستی چه شکوهمند است جرقه یک حس، حسی که بملدت کوتاهی لحظه ای آمد و رفت و من دوباره به زمین بازگشتم و من جسمانی خود را در پشت میز تحریرم نشسته در حال نوشتن دیدم که شب هست. تنهایی و سکوت و من دیگر بر بال پرواز فرشتگان در ململ ابر بیکران در اوج کهکشان نیستم. من به زمین بازگشتم و انسان زمینی در یک اطاق کوچک هستم که به تختخواب و بالش نگاه می کنم که می گوید، بگیر بخواب.

اینچه برون طلوع تجارت ایران در راه ابریشم



اینچه برون طلوع تجارت ایران در راه ابریشم منطقه آزاد اینچه برون، به عنوان یکی از استراتژیک ترین نقاط جغرافیایی ایران، در حال تبدیل شدن به کانون تحولات تجاری و ترانزیتی کشور است. این منطقه که در کریدور «راه جدید ابریشم» قرار دارد، نه تنها اقتصاد استان گلستان را دگرگون می کند، بلکه با اتصال ایران به بازارهای جهانی، نقشی کلیدی در پیشرفت اقتصادی کشور ایفا خواهد کرد. به گزارش ایرنا، در میان ۱۸ منطقه آزاد کشور که ۸۰ درصد بار ترانزیت را به دوش می کشند منطقه آزاد اینچه برون از جغرافیای سیاسی و اقتصادی خاصی برخوردار است که آن را به یک نقطه کانونی در تحولات تجاری و ترانزیتی ایران و منطقه تبدیل کرده است. این منطقه که از سال ۱۳۹۴ به عنوان یک پروژه استراتژیک در دستور کار دولت و مسوولان استانی قرار داشت با تصویب نهایی در سال ۱۴۰۰، اکنون در مسیر تبدیل به یکی از قطب های مهم اقتصادی و ترانزیتی کشور قرار دارد. موقعیت جغرافیایی منطقه آزاد اینچه برون به عنوان بخشی از کریدور راه جدید ابریشم، این منطقه را به طور مستقیم به آسیای شرقی و اروپا متصل می کند. ابتکار «کمربند و جاده» که ایران در قلب آن قرار دارد، طرحی در حال اجرا از یک دهه قبل توسط چین و بزرگترین برنامه زیرساختی در تاریخ جهان شناخته می شود که چهار قاره را پیوند می دهد. این کریدور بین المللی، از نظر اقتصادی و سیاسی نقشی کلیدی در تحولات جهانی ایفا می کند و از سویی دیگر دسترسی آسان به این مسیرها که برخی از بزرگترین اقتصادهای جهان را به یکدیگر متصل می کند، می تواند اینچه برون را به یکی از دروازه های اصلی تجاری و ترانزیتی ایران تبدیل سازد. یکی از ویژگی های برجسته منطقه آزاد اینچه برون، امکانات و ظرفیت های گسترده آن از جمله استقرار گمرک، بازارچه مرزی، شهرک صنعتی هزار هکتاری و مجتمع پتروشیمی است که وجود این زیرساخت های حیاتی، به ویژه با توجه به نزدیکی به خط انتقال گاز ترکمنستان به ایران، بستر مناسبی برای سرمایه گذاری در صنایع انرژی و پتروشیمی فراهم می آورد. براساس آخرین گزارش ها، برای تسهیل

فرایندهای سرمایه گذاری در اینچه برون اقدامات فراوانی مانند گرفتن اسناد، مطالعات طرح جامع و ارزیابی های زیست محیطی انجام شده و سامانه های سرمایه گذاری به طور کامل در این منطقه استقرار یافته و تلاش دولت چهاردهم برای کاهش بروکراسی های اداری در راستای تسهیل فرایندهای سرمایه گذاری در این نقطه استراتژیک ادامه دارد. دبیر مجمع نمایندگان گلستان اظهار کرد: پیگیری های مستمر نمایندگان این استان در دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی، سرانجام منجر به تصویب منطقه آزاد اینچه برون شد و این پروژه اکنون در مسیر تبدیل به یکی از کانون های اصلی اقتصادی و ترانزیتی کشور قرار دارد. رمضانعلی سنگدونی با تاکید بر اینکه تلاش های مسوولان از گذشته تاکنون اتفاقات مثبتی را در منطقه آزاد اینچه برون رقم زده و این منطقه را در وضعیت مطلوبی قرار داده است، یادآور شد: در سفر اخیر معاون وزیر و مدیرعامل راه آهن کشور به استان گلستان توافقاتی برای پیوستن راه آهن به منطقه آزاد اینچه برون انجام شد. به گفته دبیر مجمع نمایندگان گلستان؛ پیوستن راه آهن به

قضا صادر شده و اکنون پتروشیمی گلستان نیز به این منطقه پیوسته است. سنگدونی تاکید کرد: منطقه آزاد اینچه برون با توجه به ظرفیت ها و موقعیت استراتژیک خود، به یکی از معدود مناطق آزاد تبدیل خواهد شد که می تواند تحولی عظیم در اقتصاد استان و کشور ایجاد کند. استاندار گلستان، نیز این منطقه را فرصتی بی نظیر برای توسعه استان دانست و گفت: یکی از مسیرهای اصلی توسعه گلستان، منطقه آزاد اینچه برون است که با توسعه زیرساخت های ریلی، جاده ای، دریایی و هوایی، می توانیم به اهداف کلان مناطق آزاد دست یابیم. علی اصغر طهماسبی به استقبال بیش از ۶۰ شرکت داخلی و خارجی برای سرمایه گذاری در اینچه برون اشاره کرد و افزود: مزیت هایی مانند معافیت مالیاتی ۲۰ ساله، قوانین گمرکی ساده شده و دسترسی به بازارهای بین المللی، این منطقه را به مقصدی جذاب برای سرمایه گذاران تبدیل کرده است. رئیس اتاق مشترک ایران و ترکمنستان هم اینچه برون را نقطه اتکای تجارت گلستان با ترکمنستان دانست و گفت: با بهبود زیرساخت ها، این منطقه می تواند به قطب لجستیکی منطقه ای بدل شود و تردد روزانه حدود ۲۰۰ تریلی از مرز اینچه برون، گواهی بر پویایی تجاری این منطقه است. رمضان بهرامی خواستار بهسازی جاده ها، گسترش خطوط ریلی و ایجاد پایانه های مجهز باربری شد و پیشنهاد کرد اتصال اینچه برون به بندرهای شمالی، مانند بندر ترکمن، شبکه ترانزیتی چندوجهی ایجاد کند که تجارت را متحول خواهد کرد. با وجود پتانسیل های عظیم، اینچه برون با موانعی مانند کمبود انبارهای مجهز، سردخانه ها و سیستم های هوشمند گمرکی مواجه است. بهرامی گفت: تفاوت ۱۰ تا ۱۵ درصدی قوانین اینچه برون با سرزمین اصلی، رغبت سرمایه گذاران خارجی را کاهش داده که باید با تسهیل قوانین، جذابیت سرمایه گذاری این منطقه را بیشتر کرد. منطقه آزاد اینچه برون، فراتر از یک پروژه اقتصادی، فرصتی استراتژیک برای تقویت جایگاه ایران در تجارت جهانی است. با رفع موانع و بهره برداری از پتانسیل های این منطقه، ایران می تواند دروازه ای طلایی به سوی آینده ای شکوفا بگشاید.